

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۱۲/۱۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۸۹/۶/۳۱

بهمن ادیب‌زاده^۱، حدیثه عسگری تفرشی^۲، سیدابراهیم حسینی^۳

مهندسی اجتماعی و نقش مشارکت مردمی در تحقق‌پذیری نوسازی در بافت‌های فرسوده شهری نمونه موردی: محله نعمت‌آباد، منطقه ۱۹، تهران

چکیده

امروزه توجه به ابعاد اجتماعی نوسازی بافت‌های فرسوده و توجه به برنامه‌ریزی مشارکتی تحت عنوان «برنامه‌ریزی با مردم» به جای «برنامه‌ریزی برای مردم» رهیافتی تازه برای مداخله در بافت‌های فرسوده به شمار می‌آید. نقش مشارکت مردمی از عوامل بسیار مهمی است که باید در هر برنامه توسعه مورد توجه قرار گیرد. ایده مشارکت مردمی در شهرسازی، در فرایند علمی تئوری‌سازی و در قالب نظریه «مهندسی اجتماعی» تنظیم گردیده است. مهندسی اجتماعی به حضور و مشارکت مردم از ابتدا تا انتها تأکید دارد و با رویکرد طراحی با مردم به این موضوع می‌پردازد. نظریه مهندسی اجتماعی در بافت فرسوده محله نعمت‌آباد واقع در منطقه ۱۹ در فاصله سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۹ به اجرا درآمده است که از نتایج آن می‌توان به سرعت اجرای کار، رضایت گروه‌های هدف، اعتمادسازی، کاهش معارضات و بالاخره ارتباط مستمر بین مردم و مدیریت شهری اشاره کرد. این مقاله با استفاده از نتایج حاصل از مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای، نقش مشارکت در مهندسی اجتماعی و تأثیر آن بر کیفیت تحقق‌پذیری طرح را بررسی می‌کند و با مقایسه طرح پیشنهادی حاصل از مهندسی اجتماعی و مشارکت مردم، به بیان مزیت‌های افزایش مشارکت حاصل از رویکرد مهندسی اجتماعی می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: مهندسی اجتماعی، مشارکت مردمی، تحقق‌پذیری، نعمت‌آباد، تهران.

۱. استادیار گروه معماری، دانشگاه شهید بهشتی، استان تهران، شهر تهران
E-mail: adibzadh@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس تهران، استان تهران، شهر تهران
E-mail: hadisehati@yahoo.com

۳. کارشناس ارشد طراحی شهری، دانشگاه تربیت مدرس تهران، استان تهران، شهر تهران
E-mail: se_hosseini1214@yahoo.com

مقدمه

حق استفاده همگان از مواهب زندگی شهری و داشتن فرصت برابر در بهره‌مند شدن از محیط زیستی مناسب برای زندگی و فعالیت‌های شهروندی، حقی است که احقاق آن به وجب بنیان‌های عقیدتی و حقوق اساسی انسان‌ها، برعهده متولیان و مدیران کلان کشور است؛ و از همین زاویه، تحقق عدالت اجتماعی و ایجاد محیطی مطلوب و ایمن برای زیست و فعالیت شهروندان از اهداف کلان سند چشم‌انداز کشور به‌شمار می‌آید. امکان دسترسی به مواهب زندگی شهری و بهره‌مند شدن از آنها دارای چنان اهمیتی است که سازمان ملل متحد، عقب‌ماندگی را فقدان فرصت برابر در استفاده از فضای زیستی مناسب برای فعالیت انسان‌ها تعریف می‌کند. از این دیدگاه، موضوع احیا و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری از سطح برنامه‌ای اجرایی، به سطح هدفی هنجاری و ارزشی اجتماعی ارتقا می‌یابد. این هدف بر پایه جمع‌بندی اقدامات گذشته، ارزیابی نقاط ضعف و قوت آنها و شناخت وسعت و عمق فرسودگی در سطح قابل تدوین است، درحالی‌که آگاهی مناسب از شرایط زندگی ساکنان این بافت‌ها از منظر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی در فرایندی اجتماعی و تعامل با شهروندان نیز می‌بایست مدنظر قرار گیرد. کارنامه گذشته نوسازی در بافت‌های فرسوده تهران، نشان می‌دهد که با گذشت زمان و به دلایل مختلف از جمله تسریع در روند نوگرایی و شهرنشینی، سطح بافت‌ها گسترده‌تر شده است؛ که مهم‌ترین دلایل آن را می‌توان بدین شرح دسته‌بندی کرد:

- فقدان سیاست‌های مدون و عدم یکپارچگی مدیریت شهر در رویارویی با نوسازی بافت‌های فرسوده شهر؛

- شکاف فکری و نگرشی میان مدیریت طرح‌های نوسازی و جامعه مخاطبان ذی‌نفع و ذی‌نفعون؛

- عدم برخورد علمی و روزآمد با پدیده نوسازی و متناسب با مسائل روز و شاخص‌های توسعه پایدار شهری؛ و

- رویکردهای مقطعی و سلیقه‌ای در مواجهه با بافت‌های فرسوده (منصوری، ۱۳۸۵، ۳).

در شرایط عادی، نوسازی بافت‌های شهری فرایندی است که در برابر تغییرات عملکردها و نیازهای اجتماع، به‌وسیله ساکنان انجام می‌پذیرد. در واقع نوسازی فرایندی است تدریجی که در سطح شهر صورت می‌گیرد، اما هنگامی که کارایی یکی از محله‌های شهری کاهش می‌یابد و یا دچار فرسودگی می‌شود، ساکنان دیگر تمایلی به نوسازی محل سکونت خود نخواهند داشت و به تدریج آن محدوده شهری از چرخه توسعه خارج خواهد شد. تهران نیز طی چند دهه اخیر با سرعت زیادی گسترش یافته است. این گسترش بی‌رویه و بدون برنامه سبب ایجاد بافت‌های مهاجرپذیر خودروی در حاشیه شهر یا قرار گرفتن بافت‌های روستایی مجاور در داخل نواحی شهری شده است. از جانب دیگر، بسیاری از بافت‌های داخل هسته قدیمی شهر، به تدریج کارکرد و حیات اجتماعی - اقتصادی خود را از دست داده‌اند، و در نهایت با از بین رفتن شرایط مناسب کالبدی، ساکنان پیشین آنها نیز به مناطق دیگر نقل مکان کرده و به جای آنها ساکنان جدیدی با ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی نسبتاً پایین‌تر، در این نواحی سکنی گزیده‌اند. ساکنان جدید نه تنها به بهبود وضعیت مکان زیستی خود کمکی نکرده‌اند، بلکه باعث بدتر شدن وضعیت آن نیز شده‌اند. تراکم بالای جمعیتی و ساختمانی، نبود زیرساخت‌های لازم، ناتوانی اقتصادی مردم ساکن در محله‌ها و عواملی از این دست، همه و همه سبب گسترش چنین بافت‌هایی در سطح شهر شده‌اند. رشد سریع شهرها و تمرکز جمعیت کشورها در آنها دیدگاه‌هایی نو و در عین حال نامتداول را برای حل مشکلات و پاسخگویی به نیازهای جدید شهروندان می‌طلبد. مشارکت فعال نیروی مردمی، راه‌حل نهایی برای حل مشکلات فعلی و آینده شهرهاست که متأسفانه این نیرو

دست‌نخورده و غیرفعال باقی مانده است. تجربه نشان می‌دهد که به‌کارگیری استعدادهای مردمی موجب بروز ابتکارها و خلاقیت‌هایی می‌شود که در شرایط عادی تصورشدنی نیست. برای استفاده از امکانات بالقوه استعدادهای مردمی، سپردن کارهای اجرایی و عملی به شهروندان ضرورت دارد. در ایران، در سال‌های اخیر به نحوی فزاینده، سخن از مشارکت شهروندان در تمامی امور مطرح بوده است. این مشارکت به شکلی نامعمول و نامطلوب در حوزه شهرسازی ظهور یافته است، به طوری که می‌توان گفت در مشارکتی که اکنون در حوزه شهرسازی کشور مطرح است، مفهوم مشارکت در واقع قلب ماهیت شده است. هسته مرکزی مفهوم مشارکت، قدرت یافتن شهروندان و تأثیرگذاری گسترده‌تر آنان بر طرح‌های شهری است. آنچه که در زمان حاضر در طرح‌هایی با عنوان مشارکتی در کشور اجرا می‌گردد، به هیچ وجه ناظر بر این مفهوم نیست و عمدتاً عبارت است از تأمین اعتبار مالی طرح یا پیش‌فروش واحدهای احداثی. در این شرایط، لازم است با کاوشی دقیق در نظریه‌های مشارکت، ابعاد و سطوح مختلف شهرسازی مشارکت مشخص شود و براساس آن جایگاه واقعی طرح‌های شهرسازی که با عنوان مشارکتی مطرح می‌شوند، تعیین گردد. مفهومی که در این تحقیق از شهرسازی مشارکتی مدنظر است، «مشارکت مردم در ایجاد، اصلاح و اداره محله و محیط مسکونی خود» است که تمایز اصلی آن با سایر انواع مشارکت، در واقع ارتباط آن با محیط محلی و شهری است.

مبانی و مفاهیم نظری

امروزه رویکرد اجتماعی به بافت‌های فرسوده از نقاط عطف تاریخچه نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده در کشور به‌شمار می‌آید. ویژگی‌های اجتماعی این‌گونه بافت‌ها ضرورت توجه به ابعاد اجتماعی را دوچندان می‌کند. امروزه برنامه‌ریزی مشارکتی تحت عنوان «برنامه‌ریزی با مردم» به جای «برنامه‌ریزی برای مردم» و همچنین «صحبت کردن با مردم» به جای «صحبت کردن در مورد مردم» رهیافت و نگاهی با هدف مداخله و ورود به بافت‌های فرسوده است. از سوی دیگر، بنا به دلایل عدیده‌ای که بیشتر به دوران گذشته و قوانین مصوب مرتبط با این مقوله مربوط می‌شود، مردم به عنوان عنصر مشارکت‌جو، اعتماد لازم را به این‌گونه برنامه‌ریزی - هر چند که اغلب در بردارنده ظرفیت‌ها و زمینه‌های درونی است - ندارند. لذا ورود به مباحث اجتماعی نیازمند مکث، صبر و حوصله زیاد و کار درونی و دررو در تعامل با اجتماعات محلی است. چه‌بسا بتوان فعالیت‌های اجتماعی، به‌ویژه در زمینه مداخله در بافت‌های فرسوده را به «پروژه صبر» تعبیر کرد. احیا و نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده تنها در صورتی تحقق می‌یابد که به‌وسیله مردم (نوسازی مشارکتی) و با توجیه کامل آنان صورت پذیرد؛ و تا زمانی که منافع ساکنان در احیای بافت‌های فرسوده در نظر گرفته نشود، نمی‌توان امیدی به احیای سریع بافت‌های فرسوده داشت و با دیدی همه‌جانبه به احیای بافت پرداخت. برای دستیابی به این هدف باید بسترها و زیرساخت‌های لازم برای طرح فراهم شود. بافت‌های فرسوده محدوده‌های آسیب‌پذیر شهر در برابر مخاطرات طبیعی به شمار می‌آیند و نیازمند برنامه‌ریزی و مداخله هماهنگ برای سامان‌یابی هستند. مشخصه این بافت‌ها، ناپایداری و وجود مجموعه‌ای از نارسایی‌های کالبدی، عملکردی، حرکتی، زیست‌محیطی، اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی در آنهاست. از جمله مزایای بهسازی و نوسازی بافت‌های شهری، حفظ و صیانت از سرمایه‌ها و منابع انسانی و کاهش صدمات و تلفات ناشی از زمین‌لرزه است که با هیچ معیاری قابل ارزش‌گذاری نیست. در کنار آن، بهینه‌سازی استفاده از زمین با ارتقای شاخص نفر در هکتار و کاهش اراضی بایر و رها شده در درون شهرها با استفاده از ظرفیت بالای جمعیت‌پذیری مناطق یاد شده منجر خواهد شد. کاهش هزینه‌هایی چون اسکان سرریز جمعیت، و نگهداری شهرها، و

نیز کاهش هزینه‌های امنیتی و انتظامی آنها، علاوه بر کاهش هزینه‌های رفت و آمد خانوارها و مصرف انرژی و آلودگی هوا از دیگر مزایای اجرای این سیاست است. بیرون رفتن ساکنان قدیمی بافت که در گذر سالیان انس و الفت ناگسستگی با محیط زندگی‌شان برقرار کرده‌اند، از بین رفتن خاطرات جمعی و فاصله گرفتن از فرهنگ سنتی در محدوده طرح، محو شدن آن دسته از ساختمان‌ها و بناهای قدیمی که هر یک حاصل دسترنج نیاکان ما بوده‌اند و تضييع حقوق مالکان محدوده طرح در بیشتر موارد بی‌بهره ماندن آنها از ارزش افزوده ناشی از اجرای طرح بافت، بخشی از مشکلاتی هستند که می‌بایست در احیا و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری، راه‌حل یا پاسخی برای آنها اندیشید و راهکاری جست.

تحقق‌پذیری

با توجه به تحقق‌پذیری اندک و عدم موفقیت مداخلات نوسازی در اکثر طرح‌های شهری در کشور ما (عندلیب، ۱۳۸۷، ۱۸)، نیاز به واکاوی دلایل این مسئله احساس می‌شود. می‌توان گفت که از میان دیدگاه‌های مطرح شده در مورد نقش دولت در طرح‌های شهری از سال ۱۹۵۰ بدین سو، همواره دو نگرش به عنوان مرز تغییر این دیدگاه‌ها و نقش دولت در زمینه مسائل شهری، در نوشتارهای شهرسازی اهمیت یافته‌اند. یکی از این دو نگرش، سیاست فراهم‌کننده بوده (Keare, Douglass and Seott parries, 1982) که تا سالیان اخیر مجرای مداخله در بافت‌های فرسوده بوده است؛ لیکن به علت بروز مشکلاتی ناشی از این نوع سیاست در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی، میزان رضایت مردم و نیز رویکرد رایج به کاهش تصدی‌گری دولت در چند سال گذشته، توجه به دیدگاه‌های و سیاست‌های دیگری موسوم به توانمندکننده، افزایش پیدا کرده است. این نگرش دوم، هم‌سو با سیاست‌های نظام مبنی بر مشارکت مردم در همه زمینه‌ها وارد فرهنگ شهرسازی کشور شد. یکی از مفاهیم بنیادین در الگوی طرح‌های ساختاری - راهبردی موضوع تحقق‌پذیری است؛ یعنی مطالعات و پیشنهادهای طرح باید در مسیر و چارچوب موضوعات و محورهای صورت گیرد که در عمل بیشترین قابلیت و امکان را برای اجرا و تحقق داشته باشند. بدین‌خاطر بخشی از مطالعات پایه در تهیه طرح‌های توسعه و عمران به مطالعات امکان‌سنجی اختصاص می‌یابد. به‌طور کلی سنجش تحقق‌پذیری طرح‌ها و برنامه‌های پیشنهادی براساس دو شاخص تأثیرگذاری و کفایت انجام می‌شود. منظور از «تأثیرگذاری» این است که اقدامات انجام شده تا چه میزان در جهت اهداف مورد نظر عمل می‌کنند؛ و مفهوم «کفایت» برای آن است که میزان تأثیرگذاری تا حد لازم و کافی در نظر گرفته شود (مهديزاده، ۲۸۱، ۱۳۸۶). در زمینه تحقق‌پذیری و نقش مردم در این مقوله، می‌توان گفت که در کشور ما همواره دولت و ارگان‌های ذی‌ربط بیشتر انتظار مشارکت اقتصادی از مردم دارند و بدین ترتیب از پتانسیل‌های موجود در مراحل تصمیم‌گیری و طراحی و حتی اجرا کمترین استفاده را می‌کنند. بر این اساس می‌توان چهارگونه برنامه‌ریزی را مطرح ساخت:

- ۱- برنامه‌ریزی برای ساختمان: هدف نهایی در آن، صرفاً ساختمان و زیباسازی آن است.
 - ۲- برنامه‌ریزی برای مردم: شهرسازان در جایگاهی بالاتر از مردم، برای آنها تصمیم‌گیری می‌کنند.
 - ۳- برنامه‌ریزی به‌وسیله مردم: در این رویکرد، مردم با واگذار شدن اختیارات به آنها، در واقع چونان شهرساز هستند.
 - ۴- برنامه‌ریزی با مردم: مردم و شهرساز هر یک در جایگاه خود هستند، و شهرسازی از طریق مشارکت دوطرفه صورت می‌پذیرد (عندلیب، ۱۳۸۷، ۳۰).
- به‌طور کلی دو روش نخست، از چهار روش یاد شده را می‌توان در دیدگاه فراهم‌کننده دسته‌بندی کرد، و دو روش بعدی را در دیدگاه یاری‌رسان.

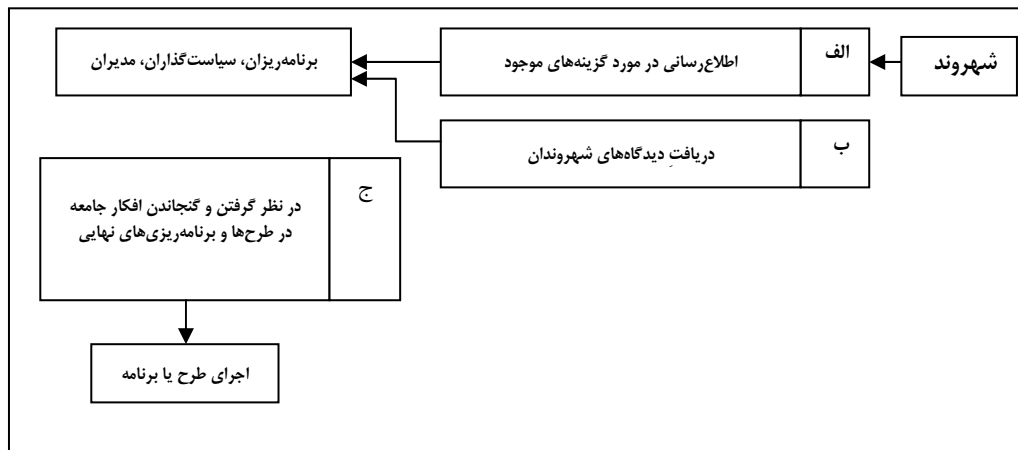
مشارکت

مشارکت را در مفهوم گسترده، به معنای گسترش حساسیت مردم و در واقع به معنای افزایش درک و توان آنان در پاسخگویی به طرح‌های توسعه و نیز به مفهوم تشویق ابتکارات محلی تعریف کرده‌اند (سام‌آرا، ۱۳۷۵، ۱۵). هشت عنصر اساسی برای مشارکت برشمرده شده، که اینها هستند: مداخله، تشریح اهداف، بسیج و مباحثه، تبلیغ و اشاعه اطلاعات طرح، به کارگیری و جلب پشتیبانی مردم، همکاری در سطوح مختلف اجرایی در حد ظرفیت، و همچنین ارزیابی مرحله به مرحله و نهایی طرح با همکاری مردم. اینها در واقع اصول محوری مشارکت مردمی در طرح‌های توسعه‌اند (اوکلی و مارسون، ۱۳۷۰، ۱۵۲). بدین ترتیب، مشارکت شامل دخالت مردم در تمامی فرایندهای تصمیم‌گیری، اجرای طرح و همچنین شراکت در منافع حاصل از طرح‌های توسعه و دخالت آنان در ارزش‌یابی این طرح‌هاست (کلیتون، اوکلی و پرات، ۱۳۸۳، ۲۴). مشارکت شهروندان در امور مربوط به شهر و شهرسازی ابتدا در اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ در آمریکا شکل گرفت. در این دوره، قوانین متعددی بر پایه مشارکت شهروندان به تصویب رسید که ماهیت فرایندهای تصمیم‌گیری شهری را دگرگون ساخت. مفهوم مشارکت در نیمه دهه ۱۹۶۰ در انگلستان مطرح شد و سپس کشورهای دموکراتیک دیگر نیز از آن استقبال کردند (اوست هویی زن، ۱۳۷۷، ۹۷). بدون شک مشارکت یکایک شهروندان در عمران و آبادانی و توسعه همه‌جانبه شهری که در آن زندگی می‌کنند، نوعی ضرورت اجتماعی و وظیفه شهروندی است. به دیگر سخن، انتظار داشتن شهری آباد و درخور شأن، بدون بهره‌گیری از جلوه‌های زیبای مشارکت‌های گسترده مردمی، انتظار ناصواب خواهد بود. مشارکت مردم در تدوین قوانین و تصمیم‌گیری‌ها، به‌ویژه در تصمیم‌گیری‌های محله‌ای، تأثیرات عمده و مهمی بر زندگی آنان خواهد گذاشت؛ و از آن سو، عدم مشارکت چه‌بسا خسارات جبران‌ناپذیری به بار آورد که شکست در اجرای طرح از آن جمله است (غمامی، ۱۳۸۶، ۱۸۱). مشارکت در جوامع محلی فرایند فعالی است که به موجب آن، گروه‌های بهره‌ور یا مراجعان، بر هدایت اجرای طرح‌های توسعه با هدف افزایش رفاه و آسایش خود به لحاظ درآمد، رشد فردی، خوداتکایی یا دیگر ارزش‌هایی که برای آنان گرامی است، تأثیر می‌گذارند. این فرایند، فرصت لازم را برای بروز ابتکارها و توانمندی‌های اقتصاد محلی فراهم می‌کند؛ بدین معنی که افراد محلی اجازه یابند در محیط‌های بازار رقابت در حال رشد مشارکت کنند، چون قدرت اقتصادی متمرکز در چند شخص، مشکلاتی را برای شهرهای کوچک و جوامع محلی به‌وجود می‌آورد که از جمله آنها فقدان درآمد به‌منظور سرمایه‌گذاری در انواع زیرساخت‌های اساسی است (که برای عملی کردن توسعه اقتصاد خصوصی ضرورت دارند). بنابراین، سازوکار یا مکانیسم بازار باید به گونه‌ای باشد که مسئولیت بیشتری به نهادهای محلی، به عنوان نهادهایی که برای رفاه عمومی تلاش می‌کنند، داده شود (غمامی، ۱۳۸۶، ۱۸۱).

اصولاً مشارکت شهروندان در اداره امور شهر نتایج مثبتی را به دنبال دارد که از آن جمله می‌توان به اینها اشاره کرد: کاهش محدودیت‌ها و مشکلات مدیریت شهری، به خصوص شهرداری‌هایی که با کمبود یا فقدان نیروی متخصص و منابع مالی مواجه‌اند، چرا که جلب مشارکت مردم باعث رفع بخشی از نیاز مدیریت شهری به منابع انسانی و مالی می‌شود. صرفه‌جویی در هزینه‌ها و کاهش مصرف انرژی، بدین معناست که با استفاده از مشارکت شهروندان، این امکان فراهم آید که با صرف انرژی و هزینه و امکانات کمتر، بتوان اقدامات بسیاری را در شهر انجام داد. خاستگاه دیدگاه‌های فلسفی در زمینه مشارکت اصولاً از نظریه‌های مختلف در خصوص ساختار و عملکرد حکومت‌های محلی به‌طور اخص، و از نظریه‌های مختلف در زمینه مشارکت کارگری به‌طور اعم است. دانیل استراب به‌طور کلی دیدگاه‌های فلسفی در زمینه مشارکت مردمی را به چهار دسته تقسیم‌بندی می‌کند، که اینها هستند:

الف) نظریه همراه ساختن^۵: در این دیدگاه، بدین دلیل که اصولاً ساکنان محلی قادر نیستند نقش سازنده‌ای در جهت انجام پروژه‌ها ایفا کنند، مشارکت آنان تنها می‌تواند در جهت کاهش ضدیت‌شان با انجام پروژه‌ها، از طریق دخالت صورتی‌شان باشد.

ب) نظریه مشورتی^۶: براساس این دیدگاه، برخلاف نظریه همراه ساختن، عقیده بر این است که ارزش‌های مطرح شده از سوی برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران در زمینه منافع عموم، اصولاً ارزش‌هایی هستند که به طبقه متوسط تعلق دارند و نمی‌توانند جوابگوی نیازهای اقشار پایین جامعه باشند. بدین ترتیب، همان‌گونه که در شکل ۱ آمده است، برقراری ارتباط با مردم و شهروندان به‌منظور آشنایی با اندیشه‌ها و ارزش‌های آنان، از مقتضیات برنامه‌ریزی است (مرادی، ۱۳۸۰، ۲۲۰).



شکل ۱. نمودار نظری مشورتی

منبع: مرادی، ۱۳۸۰، ۲۲۰

ج) نظریه درمان آموزشی - اجتماعی^۷: ارتقای وضعیت شهروندان به‌وسیله آموزش، که از طریق مشارکت به آنها داده می‌شود، به همراه تربیت شهروندانی مسئول که بتوانند با آزادی‌ای که در اختیارشان قرار می‌گیرد، سرنوشت خود را به سمت بهینه‌ای رهنمون شوند (مرادی، ۱۳۸۰، ۲۲۰).

د) نظریه قدرت جامعه^۸: براساس این نظریه، افراد و جوامعی که به دلایل مختلف از کانون قدرت اجتماعی به دور افتاده‌اند، بایستی بتوانند در سیاست‌گذاری‌ها دخالت داشته باشند. بدین ترتیب، به طور عمده دو رویکرد به عملکرد و نقش حکومت‌های محلی، بدین شرح وجود دارد:

- رویکرد اول، که در آن می‌بایست در هر چه مردمی‌تر ساختن حکومت‌های محلی، از طریق جای دادن افراد محلی در هیئت‌های سیاست‌گذاری محلی، کوشید؛ و
- رویکرد دوم، که با هدف افزایش کنترل شهروندان، سعی در ایجاد پایگاه قدرت سیاسی مستقل در مناطق کم‌درآمد، از طریق ایجاد سازمان‌های همسایگی دارد (مرادی، ۱۳۸۰، ۲۲۱).

رویکرد مهندس اجتماعی در افزایش مشارکت شهروندان در امور شهری

برای تبیین رویکرد مهندسی اجتماعی، نخست به بررسی الگوی تهیه طرح‌های شهری در ایران در سیر تاریخی برخورد با این مقوله پرداخته شده است تا از این راه معضلات فراروی طرح‌های شهری شناسایی گردند. پیش از بررسی طرح‌های شهری، ضروری است که در چارچوبی نظری، به الگوهای





رایج پرداخته شود. این بررسی بر اساس تقسیم‌بندی «اپیلارد» صورت گرفته است، که در آن طراحی شهری به سه گونه طبقه‌بندی شده است: ۱- طراحی شهری ساخت‌وسازگرا؛ ۲- طراحی شهری حفاظت‌گرا؛ و ۳- طراحی شهری جامعه‌گرا.

طراحی شهری ساخت‌وسازگرا اساساً معطوف به نوسازی و بازسازی است. نوع دوم به حفاظت و بهسازی شهرها می‌پردازد؛ و طراحی شهری جامعه‌گرا معطوف به رفع نیازهای محلی از طریق جلب مشارکت شهروندان در فرایند تصمیم‌گیری است، در به فعلیت درآوردن توانمندی‌های بالقوه جامعه محلی می‌کوشد و رویکرد اصلی آن برنامه‌ریزی از پایین به بالاست.

با توجه به طبقه‌بندی ذکر شده، طراحی شهری موجود در ایران، در واقع در الگوی «طراحی شهری ساخت‌وسازگرا» جای می‌گیرد (گلکار، ۱۳۸۶، ۳۱). مفهوم «برنامه‌ریزی فرایندی» در دهه ۱۹۷۰ در ضمن انتقاد از برنامه‌ریزی جامع - تفصیلی و لزوم حفظ پیوستگی میان روند برنامه‌ریزی، روند اجرا و مدیریت توسعه مطرح گردید. با توجه به نکات ذکر شده، طرح‌های شهری براساس ارتباط و مشارکت مردم در طرح و با توجه به میزان تأثیرگذاری مورد بررسی قرار گرفته است، بدین صورت که شرایط این سه شاخصه از «نامطلوب» تا «مطلوب» ارزش‌گذاری شده‌اند و طرح‌های شهری در این ماتریس مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. این ارزیابی در جداول ۱ و ۲ آورده شده است.

الف) طرح:





جدول ۱. ارزیابی طرح‌های شهری براساس ارتباط و مشارکت مردم در طرح

امکان اعتراض مردم به طرح، قدرت تغییر طرح در مردم، برآورده شدن نیازهای مردم، همخوانی با منش فرهنگی مردم	طراحی با مردم	
برآورده شدن نیازهای مردم (کالبدی) توجه نسبی به خواست مردم (فرهنگی)	طراحی با توجه به دیدگاه‌ها و نظر مردم	
رفع نسبی نیازهای مردم (کالبدی)	طراحی برای مردم به‌منظور رفع نیاز	
تهیه و اجرای طرح بدون توجه به خواست مردم	طراحی صرفاً تخصصی، یا طراحی از بالا	

منبع: نگارندگان

ب) مشارکت:

جدول ۲. ارزیابی مشارکت مردم در طرح براساس میزان تأثیرگذاری مردم در طرح

تأمین حداکثر منافع و رضایت مردم	مشارکت فعال (واقعی)	
تأمین منافع مردم هم‌سو با تأمین منافع مراجع برنامه‌ریزی (عدم تضاد)	مشارکت محدود	
ادعای مشارکت و فقط تأمین منافع مراجع برنامه‌ریزی	مشارکت شعاری	
عدم مشارکت در تمام سطوح	بدون مشارکت	

منبع: حبیبی و سعیدی رضوانی، ۱۳۸۵

آنچه از بررسی الگویی تجارب گذشته به‌دست می‌آید، این است که در هر روشی که حضور طراح و نیز مجری و استفاده‌کننده به‌صورت کاملاً تنگاتنگ و دوشادوش در کنار یکدیگر بوده است و این دو

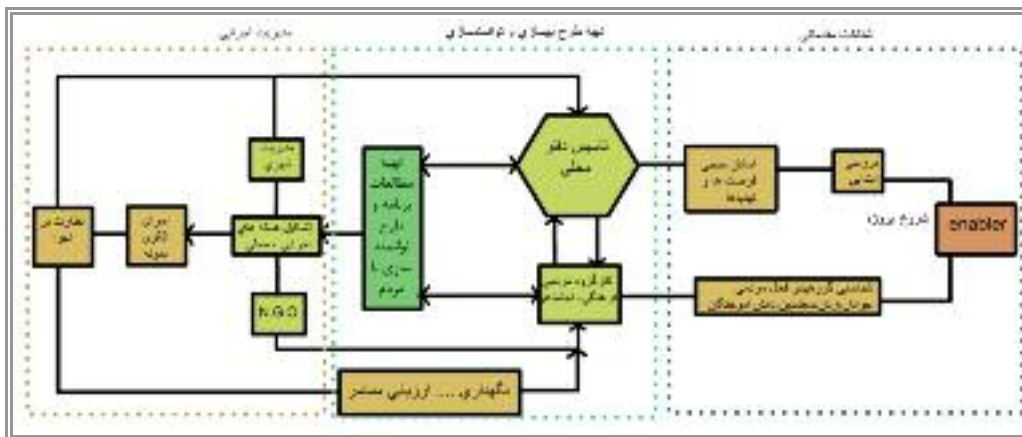
عامل از هم تفکیک نشده‌اند، تحقق‌پذیری طرح‌ها نیز در کنار فعالیت اجتماعی و تأسیس دفترهای محلی، بیشتر و بالاتر بوده است. وضعیت تهیه و اجرای عمومی پروژه‌ها نشان از آن دارد که در کشور ما عملاً روند انجام پروژه از میانه کار است، که در نهایت به اجرا می‌انجامد و در واقع مراحل ابتدایی و انتهای انجام پروژه مورد غفلت واقع می‌شود (عندلیب ۱۳۸۷، ۸۴).

مهندسی اجتماعی، رویکرد جدید مداخله در بافت‌های فرسوده

با توجه به مطالب مطرح شده، الگوی پیشنهادی برای انجام فرایند تهیه و اجرای طرح‌های شهری براساس مراحل انجام پروژه‌های فنی و همچنین پیش‌نیازهای فعالیت‌های ضروری اجتماعی تدوین گردیده، که مدل کلی آن به صورت شکل ۲ آورده شده است. این فرایند، دینامیک و بازخوردی است و بر انجام پروژه با حضور مردم، از اولین مرحله پروژه تا انتهای آن تأکید دارد. در نظریه (تئوری) مهندسی اجتماعی نه تنها ساکنان به مثابه متغیر اصلی فرض شده بلکه بر حضور و مشارکت مردم از ابتدای مطالعات نوسازی (امکان‌سنجی) تا اتمام اجرای طرح نیز تأکید گشته است. مهندسی اجتماعی با دارا بودن ساختار اجرایی و همچنین ارتباط بازخوردی (رفت و برگشتی) بین نقش‌آفرینان طرح‌های شهری، دارای قابلیت اجرایی و تحقق‌پذیری بالایی است. بنابراین یکی از بخش‌های تحقق‌پذیری هر طرح شهری، جذب مشارکت ساکنان به عنوان متغیر تأثیرگذار در روند اجرای طرح است. به عبارت دیگر، یکی از اصول مسلم برای اجرایی شدن هر طرح، پذیرش آن از جانب ساکنان است و این نکته مهم تنها در صورتی میسر خواهد شد که با فعالیت مستمر اجتماعی، از بدو ورود به بافت تا تهیه طرح نهایی، همراه باشد.

اقدامات لازم را در این زمینه می‌توان در دسته‌بندی زیر عنوان کرد:

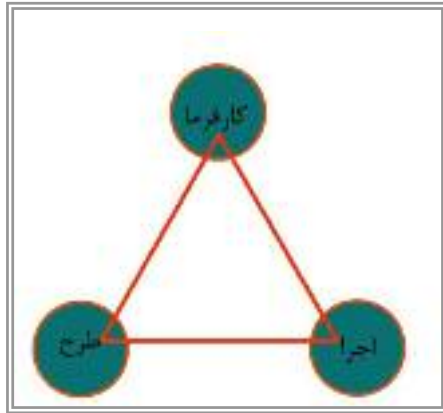
- آگاهی بخشی و ابهام‌زدایی از اهداف طرح، در مقطع ورود به بافت و مراحل بعدی پروژه؛
 - شناسایی و همکاری با گروه‌های فعال محلی؛ و
 - دریافت تأییدیه طرح از جانب مردم، با ارتباط دوسویه در زمینه طراحی و سیاست‌گذاری طرح.
- این اقدامات راه را برای اجرایی شدن طرح، یا به عبارت دیگر مهندسی شهرسازی، هموار خواهد کرد.



شکل ۲. مدل پیشنهادی الگوی مهندسی اجتماعی

منبع: نگارندگان

مهندسی اجتماعی دارای ۳ حوزه مفهومی شامل اینهاست: (۱) بسترسازی؛ (۲) توانمندسازی؛ و (۳) نمونه‌سازی به همراه فرایند اجرایی پروژه و همچنین الگوی همکاری طرح‌های شهری. در ساختار فرایند اجرایی مهندسی اجتماعی، مرحله شناخت مقدم بر طرح و اجراست. در این مرحله ابتدا طرح مسئله و امکان‌سنجی از فرصت‌ها و تهدید صورت می‌گیرد؛ و به عبارت دیگر، منشور طرح پیش از شروع طراحی تهیه می‌گردد، از این رو هر فرایندی نسخه منحصر به فرد خود را در مسیر طراحی و اجرا، متناسب با بستر اجتماعی - اقتصادی و کالبدی‌اش طلب خواهد کرد. از دیگر ویژگی‌های ساختار فرایند اجرایی مهندسی اجتماعی، سیستم رفت و برگشتی (بازخوردی) آن است. از این طریق نه تنها اطلاعات بیشتری در مرحله بعدی به سیستم بازخورد می‌شود بلکه موجب اصلاحات و تکمیل و روزآمد یا بهنگام شدن سیستم نیز می‌گردد. دیاگرام فرایند اجرایی برخلاف شیوه‌های جاری با تملک زمین آغاز نمی‌گردد بلکه مرحله شناخت و بسترسازی به‌منظور تعیین فرصت‌ها و تهدیدهای روند نوسازی و تحقیق‌پذیری طرح، لازمه ورود به مرحله بعدی است، و اصولاً در این بینش جابه‌جایی ساکنان مردود است و بدین ترتیب خرید و تملک زمین اهالی ضرورت ندارد. توانمندسازی ساکنان و اجتماع محلی گام بعدی در فرایند مهندسی اجتماعی است. ارتقای بینش اجتماعی از نوسازی بافت به همراه دخالت مردم در سرنوشت محله‌شان، مانع از یک‌جانبه‌نگری و مداخله از بالا به پایین خواهد شد. افزون بر اینها، تغییر نگرش ساکنان به مقوله نوسازی و بهسازی خود به‌عنوان نوعی محرک برای ایجاد جریان نوسازی در محله عمل خواهد کرد؛ بنابراین از مهم‌ترین اقدامات در این مرحله، همانا تأسیس دفتر محلی با مشارکت اهالی و تهیه طرح با حضور مردم در این دفتر است. گام بعدی در فرایند اجرایی طرح،



شکل ۳. حلقه‌های مؤثر بر انجام طرح‌های شهری
منبع: نگارندگان

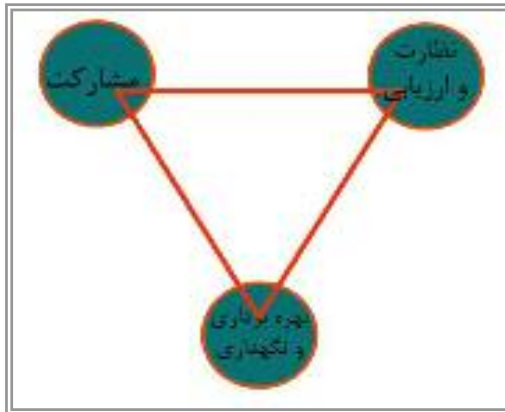
نمونه‌سازی یا اجرای الگوی نمونه است. در این فاز کاری تشکلهای مردمی و مدیریت شهری و نظایر اینها دست‌درست یکدیگر اقدام به ساخت نمونه‌ای الگویی خواهند کرد که بازخورد تمامی مسائل و مشکلات این مرحله و تلاش برای حل آنها نه تنها موجب اعتمادسازی برای حرکت‌های گسترده‌تر در سایت خواهد شد بلکه از وقوع خطاهای بزرگ‌تر نیز جلوگیری خواهد کرد. از نتایج این فرایند می‌توان به شناسایی و تکمیل مراحل مختلف و حلقه‌های مؤثر بر انجام طرح‌های شهری

اشاره کرد. با توجه به مدل روش‌های اجرای طرح‌های شهری که پیش‌تر در اینجا بررسی شد، می‌توان دریافت که روال معمول در طرح‌های شهری مثلث کارفرما - طرح

- اجراست (شکل ۳) و معمولاً اجرای پروژه‌های مختلف با کنار هم قرار گرفتن این سه صورت می‌پذیرد. اگرچه این روش در پروژه‌های کوچک‌مقیاس راه‌حل مسائل ساخت و پاسخگوی مسائل مذکور است، لیکن در پروژه‌های بزرگ‌مقیاس و به‌ویژه مسائل شهرسازی که متغیرهای بیشتری در آن نقش دارند، دچار کاستی‌هایی است که به روند اجرای طرح صدمه می‌زنند و عملاً به تحقق نپذیرفتن طرح‌های شهری می‌انجامند. مهم‌ترین مسئله‌ای که در تفکر و حرفه امروزی طراحی شهری به چشم می‌خورد، این است که طراحی شهری معماری است لیکن در مقیاس بزرگ‌تر. در چنین تفکری تأکید بیش از حدی بر طراحی می‌شود، در حالی‌که شناخت کافی از شهر وجود ندارد و تلاشی هم در این مسیر صورت نمی‌گیرد.

ساخت کالبدی - فضایی شهر با زمان شکل می‌گیرد، نه اینکه مانند پروژه‌های معماری به صورتی قطعی طراحی شود (توسلی، ۱۳۷۲، ۷).

برخورد معمارانه با طراحی شهری بدون تردید نادرست و خطرناک است. شهر پدیده‌ای فوق‌العاده پیچیده و بزرگ و پویاست و تعداد کثیری از استفاده‌کنندگان را در بر می‌گیرد. کمتر طراحی شهری است که شناخت کامل و درستی از عملکرد پیچیده شهر داشته باشد، یا برای دستیابی به چنین شناختی تلاش کند (بحرینی و امین‌زاده، ۱۳۸۵، ۱۵). در فرایند به‌کار رفته در این مدل، علاوه بر مثلث شهرسازی مذکور، مثلث دیگری با عنوان مثلث اجتماعی نیز مدنظر



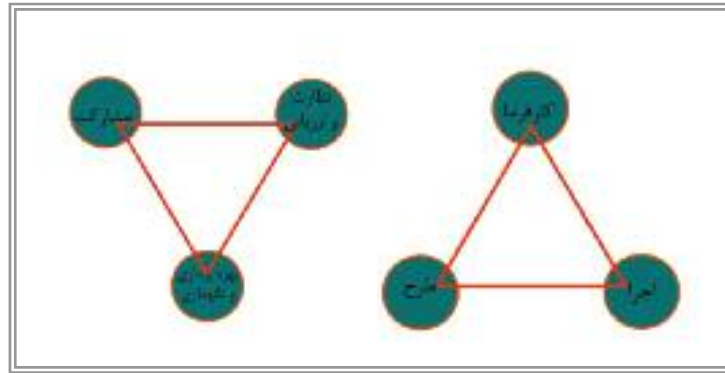
شکل ۴. حلقه‌های مؤثر در رویکرد مهندسی اجتماعی
منبع: نگارندگان

بوده و در سه مرحله فرایند انجام پروژه - یعنی شناخت مقدماتی، تهیه طرح بهسازی و نوسازی، و مدیریت اجرایی - مورد استفاده قرار گرفته است. این مثلث که مبنای اصلی رویکرد مهندسی اجتماعی است، همان گونه که شکل ۴ نشان می‌دهد، می‌کوشد تا مشکلات طرح‌های شهری را پاسخگو باشد، که از این دست‌اند: تملک، عدم مشارکت ساکنان، وجود تعداد زیاد معارضان به طرح‌های شهری و ارائه طرح‌های ناکارآمد و بی‌تناسب با فرهنگ و الگوی زندگی ساکنان، و نظایر اینها.

آنچه از مقایسه طرح‌های شهری با فرایند خطی و مهندسی صرف شهرسازی با فرایند بازخوردی مهندسی اجتماعی به دست می‌آید، نشان می‌دهد که بیشتر طرح‌های شهری فقط در مرحله انتهایی پروژه به تحقق‌پذیری پرداخته‌اند، و در نهایت با مشکلات مواجه شده‌اند و کمترین میزان پیشرفت را نیز داشته‌اند. لیکن رویکرد مهندسی اجتماعی از همان آغاز پروژه به مقوله تحقق‌پذیری می‌پردازد و می‌کوشد تا موانع آن را از ابتدا شناسایی و سپس رفع کند. نتایج حاصل از این مقایسه را - به عنوان دیدگاه‌های مهندسی اجتماعی - می‌توان بدین صورت بیان کرد:

- نگاه گذشته به طرح‌های شهری باید عوض شود و از تجویز نسخه‌ای واحد برای کل بافت‌های فرسوده پرهیز گردد.
- طرح‌های شهرساز سالار پاسخگوی نگاه مردم سالار نیستند.
- نگاه به بهسازی بافت فرسوده نگاه تولید مسکن نیست.
- دیدگاه منفعت اقتصادی می‌بایست به جای دیدگاه سود اقتصادی قرار گیرد.
- کوچ ندادن مردم و حفظ نظام اجتماعی محلی ساکنان می‌بایست در زمره اولویت‌های اقدامات جای گیرد.

مدل انجام پروژه در مدل مهندسی اجتماعی از برآیند حلقه‌های مؤثر بر انجام طرح‌های شهری و حلقه‌های مؤثر در رویکرد مهندسی اجتماعی، آن‌گونه که در شکل ۵ نیز نشان داده شده است، به دست می‌آید.



شکل ۵. مجموعه عوامل مؤثر بر مهندسی اجتماعی
منبع: نگارندگان

نمونه موردی: محله نعمت‌آبادی غربی

محله نعمت‌آباد در ناحیه ۳ شهرداری منطقه ۱۹ واقع است و به علت موقعیت خاص مکانی‌اش در منتهی‌الیه محدوده شهری تهران، دارای شرایط ویژه‌ای از نظر پراکنش زمین‌های رها شده و باغ‌هاست. این محله از شمال به بزرگراه آیت‌الله سعیدی، از شرق به خیابان نور و از غرب به خیابان سهیل محدود است. این منطقه تا پیش از سال ۱۳۴۳ و وقوع اصلاحات ارضی، منطقه‌ای روستایی بود که به استناد مدارک و بقایای تعدادی قلعه روستایی پراکنده نظیر قلعه اسفندیاری و قلعه عبدالآباد هویتی متمایز

داشت و از طریق راه عبوری جاده ساوه و سایر راه‌های روستایی با تهران و ری مرتبط بوده است. استقرار فرودگاه نظامی قلعه‌مرغی و شکل‌گیری سکونتگاه‌های اطراف آن، که در دهه‌های متأخرتر روی داد، موجب شد که ساکنان جدید را مهاجران و کارکنان قلعه‌مرغی تشکیل دهند. نکته درخور توجه در نحوه توسعه بافت مسکونی در دوران‌های مختلف انطباق قطعه‌بندی‌ها و تقسیمات اراضی با تقسیمات زمین‌های کشاورزی است، به طوری که کوچک‌ترین مسیرهای موجود بین زمین‌های کشاورزی در سال‌های



شکل ۶. موقعیت محله نعمت‌آباد
منبع: نگارندگان

گذشته در زمان حاضر نیز به صورت کوچه‌هایی باریک و پر پیچ و خم به چشم می‌خورند. طرح منظر شهری نعمت‌آباد غربی از همان شروع طرح براساس فرایند مهندسی اجتماعی و در سه مرحله کلی شناخت مقدماتی، تهیه طرح بهسازی و نوسازی و مدیریت اجرایی تهیه شده است. مرحله

نخست با باز دیده‌های میدانی مشاوران عالی و کارشناسان ارشد پروژه به‌منظور امکان‌سنجی طرح و ارزیابی‌های اولیه آغاز گردید و در ادامه با حضور مستمر در محل و ایجاد پایگاه محلی، به شناسایی گروه‌های فعال محلی پرداخته شد. پس از آن، آگاهی‌بخشی اولیه از اهداف و ماهیت پروژه، به‌منظور اعتمادسازی میان ساکنان انجام گرفت. در مرحله دوم که از نظر زمانی طولانی‌ترین روند طرح محسوب می‌شد، دفتر محلی و گروه‌های مختلف مشارکت‌کننده تا آخرین مرحله طرح و تصویب آن همراه با بقیه گروه به بیان دیدگاه‌های خود به عنوان نمایندگان مردم می‌پرداختند. در مرحله سوم یا مدیریت اجرای پروژه مصوب نیز با استفاده از تجربیات خود مردم در محل و تقویت این تجربیات، کوشش‌هایی به‌منظور اجرایی شدن طرح صورت گرفته است.

شیوه تحقق‌پذیری طرح مهندسی اجتماعی

بر مبنای نظریه مهندسی اجتماعی، نوسازی محله‌ها در مسکن‌سازی خلاصه نمی‌شود، زیرا برطبق نظرسنجی مردم از محله‌های مختلف، چنین نیست که اهالی از مسکن‌شان ناراضی باشند بلکه در واقع از نحوه سکونت خود در عذاب هستند؛ و یا به عبارت دیگر، از تبعیض بین محله‌ها و همچنین کمبود خدمات محله‌هایشان ناراضی‌اند. بر این اساس، روش‌های تحقق‌پذیری عبارت‌اند از:

- ۱- به راه انداختن جریان نوسازی (بستر سازی اجتماعی، فرهنگی و جز اینها)
- ۲- ایجاد تقاضا در مردم برای بهسازی و نوسازی بافت (نهادسازی و تشکیل کار گروه‌های نوسازی محل و مانند اینها)

- حداقل معارض، تملک و جابه‌جایی افراد
- مردم‌ساخت شدن (مسکن)
- پروژه‌های محرک نوسازی (خدماتی، اقتصادی، اجتماعی)

• مزیت‌ها

- عدم نیاز به سرمایه‌گذاری کلان
- پرهیز از تملک زمین
- کاهش معارضان
- کاهش هزینه‌های تمام شده
- تأمین نقشه و برگه نظارت فنی
- فناوری‌های ارزان‌ساخت
- تأمین و توزیع عمده مصالح
- تعریف پروژه‌های محرک نوسازی و تزریق درآمد به طرح نوسازی
- تسهیلات وام بانکی و دعوت خیریه‌ها

• روش‌های مداخله و جلب مشارکت مردمی

به‌منظور جلب مشارکت مردمی و دستیابی به تحقق‌پذیری حداکثری، در محله در دو زمینه اقدامات کالبدی و اجتماعی انجام گرفته و برنامه‌های جلب مشارکت مردمی آن در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱. برنامه‌های جلب مشارکت مردمی

ورود کالبدی	ورود اجتماعی
تعیین گروه‌های هدف	دسته‌بندی قومیت‌ها
<ul style="list-style-type: none"> • دعوت و برگزاری جلسات با نمایندگان گروه‌های هدف • نمایش طرح و توضیح حقوق شهروندی ۱. مداخله به‌صورت الگوسازی و چشم‌گیر در بافت ۲. مداخله از حاشیه بافت با معارض کمتر ۳. مداخله از چند نقطه به‌صورت همزمان و رقابتی ۴. شیوه ترکیبی از روش‌های یاد شده 	<ul style="list-style-type: none"> • دعوت و برگزاری جلسات توجیهی با قومیت‌های مختلف • توجیه و نمایش طرح برای هر قومیت ۱. حقوق مردم در تعامل با دولت ۲. حقوق مردم در تعامل با شهرداری ۳. حقوق مردم در تعامل با اوقاف

منبع: نگارندگان

نکاتی را که به مثابه ملزومات موفقیت طرح‌های شهری، برگرفته از طراحی با رویکرد مهندسی اجتماعی در محدوده نعمت‌آباد است، می‌توان در مراحل زیر ذکر کرد:

الف) به‌کارگیری رویکرد محله‌محوری

بهسازی و نوسازی محله‌ها با تحقق رویکرد شهروندمداری در مدیریت کلان‌شهری، مستلزم اصلاح ساختار مدیریت شهری و عینیت‌بخشی به مشارکت شهروندان در ابعاد گوناگون است. مدیریت نوین شهری در قالب شورایی‌ها و با محوریت محله‌های شهری، قصد دارد تا با درک نیازهای شهروندان محلی و به عبارتی هم‌سو کردن آنها با یکدیگر، هم مدیران شهر را در تأمین نیازهای ساکنان شهر یاری دهد و هم اینکه شهروندان بتوانند به نحوی مؤثر در سرنوشت خود دخالت کنند و زمینه مساعدی به‌منظور رضایت بیشتر آنان فراهم شود. از این‌رو در محله نعمت‌آباد اقدام به تأسیس دفتر محلی نوسازی گردیده، که در آن از شوراییاران، معتمدان محلی، نخبگان و نظایر اینان استفاده شده است.

اهداف دست‌یافتنی از طریق ایجاد دفتر محلی را می‌توان بدین صورت برشمرد:

- اهداف اجتماعی؛
 - اهداف عمرانی؛ و
 - اهداف مدیریت شهری و تحقق‌پذیری طرح‌ها.
- از جمله اقدامات دفتر محلی نعمت‌آباد به‌منظور تقویت مشارکت مردمی در تحقق مهندسی اجتماعی، می‌توان این موارد را بیان کرد:
- برگزاری همایش شهروندی نعمت‌آباد، با هدف اطلاع‌رسانی و افزایش احساس کرامت ساکنان از سکونت در محله؛
 - توزیع ویژه‌نامه نعمت‌آباد فردا، با هدف آشنایی با روند نوسازی و فعالیت‌های محله؛ و
 - تشکیل کار گروه‌های محلی؛ برای به راه اندازی جریان مشارکت در محله و همکاری نقش‌آفرینان مختلف در جریان نوسازی محله، همچون:
 - کارگروه نوسازی محله، با هدف جذب سرمایه، ترغیب ساکنان به ساخت‌وساز و استانداردسازی.
 - کارگروه مالکان، شامل مالکان کوی‌ها، مالکان تک‌پلاک و کارشناسان مشاوره.
 - کارگروه طراحان، شامل کارشناسان طراحی، طراحان بومی و ناظران مردم، به‌منظور نظارت عالیه و مستقیم ساخت‌وساز.

- کارگروه مشارکتی نوسازی محله نعمت‌آباد، به منظور رفع موانع اداری نوسازی با همکاری معتمدان و کارشناسان اجتماعی.
- کارگروه اوقاف - شهرداری - سازمان نوسازی و مشاور، با هدف هماهنگی میان مدیریت شهری و نهادهای تأثیرگذار در محله.

ب) اشاعه تعاونی مسکن خانوادگی

مطالعات اجتماعی، جامعه همگون در محله نعمت‌آباد را بیان می‌کنند. این جامعه متشکل از هموطنان آذری است که در قلمروهای تفکیک شده زندگی می‌کنند و بیشترشان تا پنج خویشاوند و آشنا در محله نعمت‌آباد دارند. افزون بر آن، توسعه نسل دوم در همان خانه و خانواده در جوار والدین است. بنابراین ایجاد تعاونی‌های خویشاوندی و مبتنی بر همبستگی خانوادگی از الگوهای مناسب عمران نعمت‌آباد است. به همین منظور، به تأسیس صندوق قرض‌الحسنه نوسازی حضرت ابوالفضل در محله نعمت‌آباد اقدام گردیده که هدف آن دادن وام برای نوسازی واحدهای مسکونی است. همچنین ذکر این نکته لازم است که مبلغ اولیه صندوق به وسیله خود ساکنان بافت جمع‌آوری گردیده است، که در مدت سررسید وام در اختیار آنان قرار داده می‌شود.

ج) جلب مشارکت مردمی

پرداختن به موضوع نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده رویکردی متفاوت با نقش سنتی و متداول در طرح‌های توسعه شهری را در پی دارد و دربرگیرنده اقداماتی فراتر از مهندسی از جنبه کالبدی است؛ و بدین ترتیب توسعه اجتماعات محلی از ارکان و محورهای اساسی این بحث به شمار می‌آید که ضرورت آن جلب مشارکت مردمی، اعتمادسازی، نهادسازی و ظرفیت‌سازی در اجتماعات محلی در وهله نخست است. ایجاد نهاد محلی و مشارکت مردمی مستلزم کار صمیمانه نزدیک، مداوم و درون آنهاست که با ارائه نقشه و تصویب گزارش پایان نمی‌پذیرد. فرایند برنامه‌ریزی با مردم، ایجاد هسته‌های مدیریت محلی و استمرار فعالیت‌ها و اقدامات در مسیر نوسازی و بهسازی، نظارت بر اجرای اقدامات و انتقال وظایف از دولت به مردم، توجه به تقاضای اهالی و نیازسنجی اهالی، اطلاع‌رسانی مردمی و جلب حمایت‌های مردمی و تعامل رو در رو با مردم از اهداف اجتماعی در قالب دفتر نوسازی محلی هستند.



شکل ۷. مشارکت مردمی در تمام مراحل پروژه

منبع: نگارندگان

همان‌طور که شکل ۷ نشان می‌دهد، براساس مطالعات در محله نعمت‌آباد تا انتهای سال ۱۳۸۸ با توجه به تبلیغات و فعالیت‌های دفتر محلی بیش از ۵۵۰ نفر از مالکان در مدت کمتر از ۶ ماه از شروع مرحله اجرای طرح به دفتر محلی نوسازی مراجعه کرده‌اند و برای مشارکت در جریان نوسازی اعلام آمادگی کرده و تشکیل پرونده داده‌اند. مراجعه ساکنان برای شرکت در نوسازی محل سکونت خود، نشانگر مطلبی است که برخلاف تصور غالب - مبنی بر اینکه محرک نوسازی در بافت‌ها، پروژه‌های اقتصادی کلان و سرمایه‌گذاری از بیرون است - در این الگو تغییر نگرش فرهنگی و فعالیت اجتماعی باعث به وجود آمدن موج نوسازی شده و به‌عنوان محرک نوسازی عمل کرده است. به عبارت دیگر، محرک نوسازی در این الگو درونی است و عوامل بیرونی به عنوان مکمل جریان نوسازی عمل می‌کنند.

د) آموزش کارآفرینی

قضایوت در مورد اینکه آیا مداخله توسعه‌گرایانه موجب ایجاد زمینه‌های کارآفرینی و در نتیجه توانمندسازی افراد جامعه می‌شود، به مفاهیم مشارکت وابسته است. قدرت، الگوهای اساسی روابط اجتماعی و اقتصادی را تعریف می‌کند و فرایند کارآفرینی و توانمندسازی نیز به دنبال تقویت دسترسی، آگاهی و توانایی‌های طبقات و افراد محروم و یا کم‌توان اجتماعی است. بنابراین یکی از تفاسیری که می‌توان از آموزش کارآفرینی ارائه کرد، عبارت است از ایجاد تغییرات مثبت در تمامی سطوح فردی و اجتماعی و ساختاری. از جمله اقدامات انجام شده دفتر محلی نوسازی نعمت‌آباد در جهت توانمندسازی خانوارها، می‌توان مواردی از این دست را بیان کرد:

- تشکیل کلاس‌های خیاطی: این کلاس‌ها در دو سطح مبتدی و پیشرفته برای درگیر کردن تمام قشرهای ساکن در محله با مقوله نوسازی تشکیل شده و افراد هنرجو نیز به بازار کار معرفی گردیده‌اند.
- تشکیل کلاس‌های کنکور: به‌منظور تأثیرگذاری بر روی جوانان به عنوان محرکان اصلی جو اجتماعی و فرهنگی در محله و ارتقای دانش در محله صورت گرفته است.
- تشکیل کلاس‌های هنر مهندسی: این کلاس‌ها به‌منظور تغییر نگرش ساکنان و نسل آینده محله به بهسازی بافت و آموزش و ترویج ساخت‌وساز اصولی در محله تشکیل شده‌اند.

نتیجه‌گیری

برخلاف روال موجود همکاری اجرایی در طرح‌های شهری، که منحصراً قابلیت‌های عمرانی دارد و به عدم کارایی آن اشاره گردید، الگوی همکاری در مهندسی اجتماعی نقش کلیدی نفعان در نوسازی بافت‌های فرسوده اعم از نهادهای دولتی و ملی و مردم است. در این الگو، (۱) کلیه افراد، سازمان‌ها و نهادها ایفای نقش می‌کنند و درخور یا متناسب با سهم‌شان از نوسازی بافت منتفع خواهند شد؛ و (۲) نحوه نقش‌آفرینی آنان در لایه‌های مختلف همکاری و چندبعدی است. در رویکرد مهندسی اجتماعی، مهم‌ترین رکن تحقیق‌پذیری طرح‌های شهری همانا مشارکت واقعی و فعال ساکنان محلی است، در این حالت به دلیل طراحی، اجرا و نظارت با مردم و با حداقل مداخله به بالاترین دستاورد مورد نظر ساکنان دست پیدا خواهد کرد. در مرحله بهره‌برداری و نگهداری از پروژه نیز به دلیل آگاهی و حساسیت استفاده‌کنندگان که در حقیقت طراحان اصلی این گونه طرح‌ها هستند، بهره‌وری و عمر مفید پروژه بالاتر خواهد بود.

مهم‌ترین ویژگی‌های طراحی با رویکرد مهندسی اجتماعی را می‌توان این گونه موارد دانست:

در زمینه مدیریت و مهندسی اجتماعی

فعالیت‌های انجام شده در این بخش بیشتر نرم‌افزاری و سیاست‌گذاری است و در واقع کار چندان در زمینه کالبدی صورت نمی‌گیرد؛ لیکن انجام موفق این مرحله تضمین کننده اجرای طرح و تحقق آن است و هدف تسهیل اجرای طرح و رفع موانع احتمالی با کمک گروه‌های ذی‌ربط در پروژه مانند مردم و سازمان‌هاست.

مراحل کار را می‌توان بدین صورت تقسیم‌بندی کرد:

- تحویل مطالعات امکان‌سنجی طرح: این مطالعات به ایجاد شناخت اولیه از طرح می‌انجامد و امکان‌پذیر بودن یا نبودن اجرای پروژه را روشن می‌سازد و مسیر پیشبرد آن را مشخص می‌کند.
- تهیه توجیه اقتصادی طرح: از آنجا که در هر طرحی بازده مطلوب اقتصادی بخشی جدانشدنی از موفقیت آن طرح به‌شمار می‌آید، توجیه اقتصادی طرح و بازده تخمینی در صورت اجرای طرح تهیه می‌شود.
- تفویض اختیارات: واگذاری اختیارات کافی و کارآمد به نهادهای مردمی در زمینه‌های مدیریتی و تشکیل کمیته مدیریت راهبردی به‌منظور کاهش مراحل اداری و ایجاد مشارکت مردمی فعال در تمام مراحل پروژه.
- تأسیس مدیریت واحد راهبردی (نوسازی محله)، شامل طراحی، ساخت و نگهداری و مشارکت: این مدیریت مسئولیت انجام تمامی مراحل پروژه را از طرح تا بهره‌برداری به عهده خواهد داشت. نکته درخور تأمل در این میان، هماهنگی کامل میان سازمان‌های طراحی و اجرایی پروژه است.

در زمینه مهندسی شهرسازی و تغییرات کالبدی

در این مرحله، با استفاده از امکانات و اختیارات ایجاد شده در بخش مدیریتی به اجرای پروژه پرداخته می‌شود و فعالیت‌های شهرسازی صورت می‌گیرد.

ویژگی‌های این مرحله را می‌توان بدین شکل بیان کرد:

- تحویل کلید پروژه (اجرای کامل و کارآمد): به علت یکپارچگی میان سازمان‌های طراحی و اجرایی پروژه و وجود بهره‌برداران در مدیریت واحد راهبردی از درازمدت شدن پروژه و نیز اجراهای نامناسب جلوگیری به عمل می‌آید و در مدت زمان کمتر به تکمیل و تحویل پروژه‌های مصوب در بخش طراحی اقدام خواهد شد.
 - خودکفایی و خودگردانی پروژه: به علت اینکه کل پروژه (محدوده طرح) به‌صورت واحد دیده می‌شود و به عمران آن اقدام می‌گردد، و به علت دارا بودن بازده اقتصادی کل پروژه، مدیریت واحد می‌تواند با برنامه‌ریزی دقیق مالی، پروژه‌ها را به خودکفایی برساند و به ادامه کار اقدام کند.
 - تغییر مطلوب سیمای شهری، با هدف ایجاد محله پایدار: به علت وجود مدیریت واحد، از تغییرات بدون ضابطه جلوگیری خواهد شد.
- با توجه به نکات ذکر شده، طراحی با رویکرد مهندسی اجتماعی و ساختار آن جوابگوی تمامی مراحل مؤثر بر طرح‌های شهری - شامل طراحی، مشارکت و اجرای پروژه، نظارت بر آن، و همچنین نگهداری و ارزیابی پروژه - خواهد بود.

1. planning for buildings
2. planning for people
3. planning by people
4. planning with people
5. Cooperation theory
6. Consultation theory
7. Education-Social therapy theory
8. Community Power theory
9. Feed Back

منابع

- اوست هویی زن، اندریاس (۱۳۷۷) «مشارکت شهروندان در طرح‌ریزی و توسعه نواحی شهری»، ترجمه ناصر برک‌پور، مجله معماری و شهرسازی، شماره ۴۸ و ۴۹.
- اوکلی، پیتر و مارتسون (۱۳۷۰) *رهیافت مشارکت در توسعه روستایی*، ترجمه منصور محمدنژاد، مرکز تحقیقات مسائل روستایی وزارت جهاد کشاورزی.
- بحرینی، حسین و امین‌زاده بهناز (۱۳۸۵) «طراحی شهری در ایران نگرشی نو» نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶.
- توسلی، محمود با همکاری ناصر بنیادی (۱۳۷۲) *طراحی فضای شهری ۲، فضاهای شهری و جایگاه آنها در زندگی و سیمای شهر*، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.
- چمبرز، رابرت (۱۳۷۶)، *توسعه روستایی، اولویت بخشی به فقرا*، ترجمه مصطفی ازکیا، انتشارات دانشگاه تهران.
- حاجی‌پور، خلیل (۱۳۸۵) «برنامه‌ریزی محله-مبنا رهیاقتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار»، هنرهای زیبا، شماره ۲۶.
- حبیبی، سیدمحسن و سعیدی رضوانی، هادی (۱۳۸۴) «شهرسازی مشارکتی، کاوشی نظری در شرایط ایران»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۴.
- حبیبی، سیدمحسن و سعیدی رضوانی، هادی (۱۳۸۵) «شهرسازی مشارکتی، تمایز مفهومی و ارزیابی تجربیات داخلی ایرانی»، نشریه صفا، شماره ۴۳.
- حسامیان، فرخ و مجید غمامی (۱۳۸۶) *روش‌های شهرسازی نوین در فرانسه - انگلستان - آمریکا*، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- سام‌آرا، عزت‌ا... (۱۳۷۵) «مشارکت اجتماعی در روستاهای ایران»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی طرح مسائل جامعه‌شناسی ایران.
- عارفی، مهیار، تولایی، نوین (۱۳۸۰) «به سوی رویکرد دارایی-مبنا برای توسعه اجتماع محلی»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۰.
- عندلیب، علیرضا (۱۳۸۷) *دفت‌های نوسازی بافت‌های فرسوده*، سازمان نوسازی شهر تهران.
- کلیتون، اندرو، پیتر اوکلی و پرات، برایان، «توانمندسازی مردم» ترجمه پیروز ایزدی، سلسله انتشارات روستا و توسعه، شماره ۵۵.
- کوئن، بروس (۱۳۸۱)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، نشر توتیا.
- گلکار، کورش (۱۳۸۶) «طراحی شهری در عمل، تجربه رامشار» نشریه آبادی، شماره ۵۶.

- مرادی مسیحی، وراز (۱۳۸۰) مقالاتی در زمینه جامعه‌شناسی شهری، مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
- مطلبی، قاسم (۱۳۸۵)، رویکردی انسانی به شکل‌دهی فضاهای شهری، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۵.
- منصوری، امیر (۱۳۸۵) «نگاه نو طرح ویژه نوسازی بافت فرسوده»، دومین سمینار ساخت‌وساز در پایتخت، پردیس دانشکده‌های فنی، دانشگاه تهران.
- مهدیزاده، جواد (۱۳۸۶) برنامه‌ریزی راهبردی توسعه شهری (تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران)، وزارت مسکن و شهرسازی، معاونت معماری و شهرسازی، انتشارات پیام سیما، تهران.
- Cheater, A. (1999) *Anthropology of Power: Empowerment and Disempowerment in Changing Structures*, New York: Routledge.
- Keare, Douglass and Seott, Parries (1982) *Evaluation of Shelter Programs for the Urban Poor Washington D.C.*, the World Bank.
- World Bank (1993), *Housing: Enabling Markets to Work*, A World Bank policy paper with technical supplements.
- www.urbantimeline.com